بسم الله الرحمن الرحیم

شنبه 15/3/1400-24شوال 1442-6مه 2021-درس 365و366 فقه الاداره – فقه نظارت – نظارت بر برنامه – نظارت استصوابی – ترتیب اثر بر نظارت استصوابی

مساله- آثار مترتبه بر نظارت استصوابی کدامند؟

از ایات و اخبار باب استظهار شد که تر تیب اثر بر نظارت استصوابی وجوب شرعی دارد عقل هم عدم ترتیب اثر را محکوم میکند و دارای شرر محتمله واجب الاجتناب میداند و سیره متشرعه و عقلا هم بر ترتیب اثر استوار است زیرا وقتی رای صوابی از صاحبان حل وعقد صادر شود عقلا و متشرعه تارک ترتیب اثر را مذمت میکنند و کارش را حرام میدانند زیرا در عدم ترتیب اثر مصالح اجتماع و شریعت را مخدوش می بینند این سیره عقلاییه مردوعه نیست و سیره متشرعه هم متصل به عصر معصوم است که رای صواب را از ناحیه اصحاب مورد تایید و ترتیب اثر قرار میدادند وبر طبق آن اقدام می کردند . اما اینکه این آثار مترتبه کدامند؟

1. تصحیح این نظارت
2. عمل طبق آن
3. ترویج آن
4. تشویق ناظر
5. نظارت استصوابی در رای و اجتهاد است یا روایت ؟

آیا نظارت استصوابی امکان دارد ؟

با توجه به مکتب تخطئه[[1]](#footnote-1) که احتمال خطا را دراظهارات و استظهارات فقیهان منتفی نمیکند و بر خلاف مکتب تصویب که با شعار "کل مجتهد مصیب " به استصواب مطلق قائلند و مقابل مکتب تخطئه امامیه است ایا اصولا آیا نظارت استصوابی چه نسبتی با تصویب دارد؟ چه نسبتی با تخطئه دارد ؟ باید گفت که با تخطئه سازگار است و با تصویب ناسازگار است . زیرا تصویب قطعا منفی و منتفی است در مکتب امامیه و مراد از استصواب یعنی اجتهاد به قصد اصابه با فحص از نص و ظاهر و دلیل حتی الیاس از مقیدات و محصصات با عموم و اطلاق استطهار شده . نفس این تلاش فقهی و علمی ثواب دارد ولوبه صواب نرسد ولی ارزش صواب را دارد و خداوند به عنوان صواب میپذیرد زیرا "الاعمال بالنیات" وقتی فقیه یا شورای فقهاء جامع الشرائط باشند و قصد استصواب داشته باشند هر نتیجه ای ثواب صواب را دارد البته معروف است که یک ثواب دارد اگر خطارفت و دوثواب دارد اگر صواب شد لذا همیشه به صواب نمیرسد که مبتلا به تصویب شویم و همیشه هم به خظا نمیرویم که مبتلا به مجازات شویم قصد صواب داریم و اجر صواب میبریم . لذا تخطئه به معنای تخطئه نظر مجتهد نیست بلکه به معنای عدم عصمت مجتهد است ولی عدالت او مانع از عدم اعتماد به او میشود بویژه که عمده دلیل مجتهد ظن خاص است و ظنون معتبره که درصدی احتمال خلاف ظاهر در آن میرود همیشه و لی خود شارع این احتمال را جبران میکند و با ظن معتبر معامله علم میکند و نام آن را علمی میگذارد یعنی اگر فتوی مخالف واقع بود نادیده انگاشته میشود یعنی خود شارع به تصویب میرساند نه این که مجتهد مصیب ساشد همیشه شارع مصیب است همیشه منتهی از خطای مجتهد به علت تلاش و سختی خالصانه هاش در میگذرد و این یعنی تفاوت بین نظارت استصوابی و مکتب تصویب و ابتناء آن بر مکتب تخطئه فافهم

1. تَخْطِئه وَ تَصْویب، اصطلاحی در [کلام](http://wikifeqh.ir/کلام" \o "کلام" \t "_blank) و [اصول فقه](http://wikifeqh.ir/اصول_فقه) برای دو نظریه متقابل در داوری نسبت به حاصل [اجتهاد](http://wikifeqh.ir/اجتهاد) است.این اصطلاح ابتدا از سوی متکلمان اعم از امامی، [معتزلی](http://wikifeqh.ir/معتزله) و [اشعری](http://wikifeqh.ir/اشاعره) در نوشته‌های کلامی یا در آثار مربوط به [اصول فقه](http://wikifeqh.ir/اصول_فقه) ایشان طرح شد و سپس در مبحث اجتهاد توجه اصولیان و فقیهان را به خود جلب کرد.

   **معنای لغوی و اصطلاحی**[تخطئه](http://wikifeqh.ir/تخطئه" \o "تخطئه" \t "_blank) از [خطا](http://wikifeqh.ir/خطا) ، و [تصویب](http://wikifeqh.ir/تصویب) از صواب مشتق شده است و این دو به ترتیب با [باطل](http://wikifeqh.ir/باطل) و حق به یک معنا به کار می‌روند.  
   بر اساس نظریه تصویب، آراء اجتهادی مجتهدان در عین اختلاف، درست قلمداد می‌شود، حال آن‌که اهل تخطئه (مخطِّئه) ضمن نفی تابعیت [حکم واقعی](http://wikifeqh.ir/حکم_واقعی) از رأی مجتهد، و بر مبنای یگانه انگاشتن حکم الاهی، در میان اقوال گوناگون فقها حداکثر یک رأی را منطبق با حکم واقعی و نفس الامری و پیشین الاهی می‌دانند و دیگر آراء را خطا می‌شمارند.

   **محدوده تصویب** مصوِّبه دامنه صواب انگاری آراء و اقوال مجتهدان را به امور ظنی و اجتهادی شرعی محدود کرده‌اند، یعنی اموری که مفاد [امارات](http://wikifeqh.ir/اماره) و [اصول](http://wikifeqh.ir/اصول) و [خبر واحد](http://wikifeqh.ir/خبر_واحد) است. پس به سادگی اموری که از احکام شرعی نیست، یا مواردی که طرفینِ مخالفت، مجتهدِ واجد صلاحیت نیستند، از دایرۀ بحث خارج می‌شوند. همچنین در امور قطعی مانند اصل وجوب [نماز](http://wikifeqh.ir/نماز) ، [روزه](http://wikifeqh.ir/روزه) و [زکات](http://wikifeqh.ir/زکات) ، و حرمت [ربا](http://wikifeqh.ir/ربا) و [سرقت](http://wikifeqh.ir/سرقت) که با دلیل قطعی مانند [تواتر](http://wikifeqh.ir/تواتر) ثابت شده‌اند، یا [نص](http://wikifeqh.ir/نص) صریح یا در حکم منصوص به گونه‌ای که قطع‌آور باشد، بر آن‌ها دلالت دارد، خواه دلالت آن خفی باشد، خواه آشکار، اصل تصویب جاری نمی‌شود.

   **← حوزه قطعیات**[غزالی](http://wikifeqh.ir/محمد_غزالی" \o "محمد غزالی" \t "_blank) دامنه قطعیات را به اقوال اصولی مانند [حجیت اجماع](http://wikifeqh.ir/حجیت_اجماع) و [خبر واحد](http://wikifeqh.ir/حجیت_خبر_واحد) نیز تعمیم داده است. وی همچنین دایرۀ [اجتهاد](http://wikifeqh.ir/اجتهاد) و اختلاف ناشی از آن را شامل حکم والیان و زمامداران سیاسی نمی‌داند.

   **← حوزه واقعیات**همچنین در حوزۀ واقعیات، یا امور عقلی و اعتقادی، مانند واحد بودن [خداوند](http://wikifeqh.ir/خداوند) و [حدوث](http://wikifeqh.ir/حدوث) عالم، حق و نظرِ صائب واحد است و عالمان بر عدم تصویب اتفاق دارند. البته [عبیدالله بن حسن عنبری](http://wikifeqh.ir/عبیدالله_بن_حسن_عنبری) از فقیهان عقل‌گرای قرن ۲ ق/ ۸م مجتهدان در اصول ــ مانند [مشبهه](http://wikifeqh.ir/مشبهه) ، [موحده](http://wikifeqh.ir/موحده) ، [اهل عدل](http://wikifeqh.ir/اهل_عدل) و [قدریه](http://wikifeqh.ir/قدریه) ــ را در عین اختلاف صائب می‌داند و به تعبیر غزالی، اصول (عقاید) را به فروع ملحق می‌سازد. به [جاحظ](http://wikifeqh.ir/جاحظ) ، معتزلی قرن ۳ق/ ۹م نیز نسبت داده‌اند که شخص بداعتقاد، هر چند [یهودی](http://wikifeqh.ir/یهودیت) یا [دهری](http://wikifeqh.ir/دهری) باشد، در صورتی که به‌قدر توانایی عقلاً کوشیده باشد، به مصداق «لا یُکَلِّفُ الله نَفْساً اِلّا وُسْعَها...»، هر چند غیر صائب، اما معذور است. برخی از [امامیه](http://wikifeqh.ir/امامیه) نیز چون [میرزای قمی](http://wikifeqh.ir/میرزای_قمی) و صاحب مناهج در صورت عدم تقصیر و بذل وسع (عدم عناد)، فرد فاسدالاعتقاد را معذور می‌دانند.   
     
   به داوری غزالی، چنانچه مقصودِ [عبیدالله عنبری](http://wikifeqh.ir/عبیدالله_عنبری) همان نظر جاحظ باشد، عقلاً محال نخواهد بود، ولی با توجه به وجود دلیل‌های روشن در عقایدی که خداوند ما را مکلف به پذیرش آن‌ها کرده است، فرد خاطی، ناگزیر مقصر خواهد بود. هر چند استناد به [آیات متشابه](http://wikifeqh.ir/آیات_متشابه) در اموری همچون قابل رؤیت بودن یا مرئی نبودنِ خداوند و حکم به مصیب بودنِ طرفین این مسئله، مؤید همین برداشت از کلام عنبری می‌تواند باشد، ولی ظاهر کلام او حقیقت انگاشتن آراء متقابل را می‌رساند که مستلزم اجتماع نقیضین و ضدین، و قولی قبیح‌تر از عقیدۀ سوفسطاییان است. برخی حکم ملازمات عقلیه را در مسئله تصویب، همان حکم واقعیات دانسته‌اند.

   **جایگاه موضوعات در اختلاف تصویب و تخطئه**سرانجام، با توجه به تفکیک موضوع و حکم، آنچه مسلماً در نزاع میان مصوبه و مخطئه مطرح است، مسئله احکام کلی شرعی است. اما این‌که موضوعات شرعی و عرفی مانند تعیین اندازۀ [کُر](http://wikifeqh.ir/آب_کر) ، تعیین [قبله](http://wikifeqh.ir/قبله) ، معیار [فقر](http://wikifeqh.ir/فقر) ، و بسیاری از موضوعات حوزۀ [معاملات](http://wikifeqh.ir/معاملات) هم تابع نظر و رأی مجتهد باشد (نظریه [تصویب](http://wikifeqh.ir/تصویب) )، محل بحث است. بنا بر یک نظر، چـون موضوع احکام ــ هرچند در موطن اعتبار ــ مستقل و جدای از تعلق علم به آنها، تحقق دارند، پس تصویب در آن‌ها راهی ندارد.   
     
   البته برخی از قائلان به [تخطئه](http://wikifeqh.ir/تخطئه) به گونه‌ای نظریه تصویب را در موضوع‌های شرعی با توجه به احکام متعلق به آن‌ها پذیرفته‌اند. از سوی دیگر برخی از اهل تصویب ظاهراً دامنه تصویب را به موضوعات هم تعمیم داده‌اند.

   **قائلین به تصویب و تخطئه**به نظر می‌رسد که تا پیش از نظریه‌پردازی‌های کلامی و اصولی، موضع غیرمصرح و نامنقح بیش‌تر علمای سنت‌گرا تخطئه بوده باشد. رواج احادیثی از [عمرو بن عاص](http://wikifeqh.ir/عمرو_بن_عاص) و [ابوهریره](http://wikifeqh.ir/ابوهریره) از [پیامبر](http://wikifeqh.ir/پیامبر) صلی‌الله‌علیه‌و‌اله مبنی بر این‌که اگر فقیهی اجتهاد کند، در صورت اصابت، دو پاداش و در صورت خطا اجر واحد خواهد داشت، صریحاً خطای مجتهد را به رسمیت شناخته، و شاهد مدعای یاد شده است. اختلاف در انتساب تصویب یا تخطئه به [ابوحنیفه](http://wikifeqh.ir/ابوحنیفه) و [شافعی](http://wikifeqh.ir/شافعی) و بلکه به نقل از همه [ائمه](http://wikifeqh.ir/ائمه) چهارگانه [اهل سنت](http://wikifeqh.ir/اهل_سنت) قاعدتاً به سبب طرح نشدن صریح مسئله به صورت دوران میان تصویب و تخطئه است. از این‌رو، انتساب‌ها بر اساس برداشت از آراء و اقوال، و الزام به لوازم نظر آن‌ها ست.  
     
   مثلاً با توجه به سخن شافعی که «هر مجتهدی آنچه را بدان مکلف بوده، ادا کرده است»، او را از مصوبه دانسته‌اند و برخی، [معتزله](http://wikifeqh.ir/معتزله) [بغداد](http://wikifeqh.ir/بغداد) را که قائل به نفی [تقلید](http://wikifeqh.ir/تقلید) و وجوب نظر برای عامی بوده‌اند، اهل تخطئه شمرده‌اند. [ابوالهذیل](http://wikifeqh.ir/ابوالهذیل) ، [ابوعلی جبایی](http://wikifeqh.ir/ابوعلی_جبایی) و [ابوهاشم جبایی](http://wikifeqh.ir/ابوهاشم_جبایی) از معتزله و جمهور [اشاعره](http://wikifeqh.ir/اشاعره) همچون [اشعری](http://wikifeqh.ir/اشعری) و [باقلانی](http://wikifeqh.ir/باقلانی) ، از مصوبه متقدم، و از نافیان حکم معیّن الاهی، پیش از اجتهاد مجتهد هستند. بر این جمله [ابویوسف](http://wikifeqh.ir/ابویوسف) ، [محمد بن حسن شیبانی](http://wikifeqh.ir/محمد_بن_حسن_شیبانی) ، [ابن‌سُریج](http://wikifeqh.ir/ابن_سریج) ، [مُزَنی](http://wikifeqh.ir/مزنی) ، غزالی و [فخرالدین رازی](http://wikifeqh.ir/فخرالدین_رازی) را باید افزود و اساساً بیشتر متکلمان، اصولیان و فقیهان اهل سنت در عین اختلافات جزئی، قائل به تصویب‌اند. البته از متقدمان افرادی مانند [بشر مریسی](http://wikifeqh.ir/بشر_مریسی) ، [ابن‌علیه](http://wikifeqh.ir/ابن‌علیه) و [ابوبکر اصم](http://wikifeqh.ir/ابوبکر_اصم) ، از قائلان به [قیاس](http://wikifeqh.ir/قیاس) ، و جمیع منکران قیاس مانند [ظاهریه](http://wikifeqh.ir/ظاهریه) منکر تصویب‌اند. برخی از اصولیان متأخرتر اهل سنت هم نظریه تخطئه را پذیرفته‌اند.

   **دیدگاه عالمان شیعی**قول مشهور در میان عالمان شیعی، باور به یگانه‌بودن حکم صائب بر اساس انطباق آن با حکم واقعی الاهی، و به تعبیر دیگر نظریه تخطئه است. [سیدمرتضی](http://wikifeqh.ir/سیدمرتضی) و [شیخ طوسی](http://wikifeqh.ir/شیخ_طوسی) به نقد تصویب، و دفاع از تخطئه پرداخته‌اند. دیگر اصولیان و فقیهان از [علامه حلی](http://wikifeqh.ir/علامه_حلی) و [شهید ثانی](http://wikifeqh.ir/شهید_ثانی) تا [آخوند خراسانی](http://wikifeqh.ir/آخوند_خراسانی) و [خویی](http://wikifeqh.ir/خویی) نیز قائل به نفی تصویب و مدعی اجماع امامیه در این‌باب‌اند. در این میان، [بروجردی](http://wikifeqh.ir/محمدحسین_بروجردی) با رویکردی تاریخی به مسئله، ادعای [اجماع](http://wikifeqh.ir/اجماع) فقها را با استناد به کلامی از طوسی در العده نقد کرده، و اجماع یاد شده را به متکلمان تخصیص داده است؛ حال آن‌که اجماع فقیهان و محدثان است که اعتبار و حجیت دارد.

   **تقریرهای گوناگون از تصویب**از تصویب و تخطئه تقریرها و صورت‌بندیهای گوناگونی ارائه کرده‌اند. آنچه تصویب اشعری خوانده شده، بر این مبنا ست که در احکام اجتهادی و ظنی، [حکم واقعی](http://wikifeqh.ir/حکم_واقعی) ، تابع و فرع بر قیام [اماره](http://wikifeqh.ir/اماره) و [رأی](http://wikifeqh.ir/رأی) مجتهد است و اساساً شارع آراء و نظرهای فتوا دهندگان را در عین اختلاف و کثرت، حکم خود دانسته است. در تصویب معتزلی که غزالی مانند آن باور را به شافعی هم نسبت می‌دهد، در هر واقعه و موردی، حکمی الاهی برپایه مصلحت و مفسدت واقعی وجود دارد، ولی در حق [جاهل](http://wikifeqh.ir/جاهل) به این حکم واقعی، بر طبق مفاد اماره (مثلاً خبر واحد) یا اصل (مثلاً [احتیاط](http://wikifeqh.ir/احتیاط) و [برائت](http://wikifeqh.ir/برائت) )، مصلحت، و به تبع حکمی حادث می‌شود. در این تلقی، امارات در تغییر و ایجاد [مصلحت](http://wikifeqh.ir/مصلحت) ، و در نتیجه آن تغییر حکم سببیت پیدا می‌کنند

   **نظریه اشبه**]عنصر متفاوت دیگر نزد معتزله، نظریه «اشبه» است. اساس این نظریه بر این اصل مسلم قرار دارد که هر طالبی ناگزیر باید به دنبال مطلوبی باشد، و مطلوب مجتهد اشبه نزد خدا در نظر گرفته می‌شود؛ اشبه حکمی است که اگر خداوند نصی می‌داشت، بر آن تصریح می‌کرد. اشبه را اگر به مفاد امارۀ قوی‌تر و موجه‌تر معنا کنیم، چنان‌که تحلیل [ابوالحسین بصری](http://wikifeqh.ir/ابوالحسین_بصری) هم نشان می‌دهد، به نظریه تخطئه می‌انجامد و اگر با استفاده از خود تعریف ارائه شده، آن را حکم بالقوۀ الاهی بدانیم، پس بالفعل حکمی در میان نیست و نمی‌توان گفت مخطی حکم واقع را نیافته است.

   **تقریرهای گوناگون از تخطئه**]بنا بر نظریه تخطئه، برای هر رخداد حکمی نفس الامری مقرر شده است؛ حال از لحاظ وجود یا عدم دلیل و قطعی یا ظنی بودنِ آن، تخطئه اقسامی پیدا می‌کند. یک نظر نبودِ دلیل بر حکم واقع است؛ از این‌رو، حکم واقع همانند دفینه‌ای است که به حسب اتفاق به آن دست می‌یابند. در این حالت، برای یابنده دو اجر است و برای کسی که در عین تلاش از آن باز مانده، به سبب رنج و زحمت کشیده شده یک اجر است. گروهی قائل به وجود دلیل قطعی هستند و تنها بشر مریسی از میان آن‌ها مخطی را [عاصی](http://wikifeqh.ir/عاصی) و گناهکار می‌داند و به اصطلاح فرع را به اصل ارجاع می‌کند.اکتفا به وجود دلیل ظنی، دیدگاه جماعت دیگری است که برخی از آن‌ها می‌گویند: به سبب پیچیدگی و خفایی که در دلیل ظنی هست، لازم نیست به واقع برسد و مخطی معذور و مأجور است، یا بنا به نظر گروهی دیگر گناهکار نیست.

   **← دیدگاه امامیه**در کنار این اقوالِ [اهل سنت](http://wikifeqh.ir/اهل_سنت) ، مشهور میان [امامیه](http://wikifeqh.ir/امامیه) آن است که برای هر موضوعی در واقع، تنها یک حکم وجود دارد و رأی صائب هم به تبع، منحصر در تشخیص و اصابت به آن حکم است و دست‌کم دلیل ظنی بر آن خواهد بود؛ ولی دلیل اعتبارِ آن دلیل ظنی حتماً باید قطعی باشد، چنان‌که بارها گفته‌اند: «ظنی بودن طریق با قطعی بودن حکم منافات ندارد».   
     
   در عین حال، در سنت اصولی شیعی، با معانی و تقریرهایی مضیق و مقبول از تصویب هم مواجه هستیم. این معانی بر پایه تفکیک‌هایی مانند تقسیم حکم به [واقعی](http://wikifeqh.ir/حکم_واقعی) و [ظاهری](http://wikifeqh.ir/حکم_ظاهری) ، و قول به مراتب در حکم (مرتبه انشاء و مرتبه فعلیت) تقریر شده است. در یک اصطلاح که از زمان [وحید بهبهانی](http://wikifeqh.ir/وحید_بهبهانی) مرسوم شده است، حکم به ظاهری و واقعی تقسیم می‌شود. حکم ظاهری ناظر به تعیین تکلیف برای مکلفی است که در مقام [تحیر](http://wikifeqh.ir/تحیر) و شک به حکم واقعی به سر می‌برد.

   **← مؤدای اصول در مرحله مجعول**حکم ظاهری که همان نتیجه و محصولِ کاربردِ [اصول عملیه](http://wikifeqh.ir/أصول_عملیه) ( [استصحاب](http://wikifeqh.ir/استصحاب) ، [برائت](http://wikifeqh.ir/برائت) ، [تخییر](http://wikifeqh.ir/تخییر) و [احتیاط](http://wikifeqh.ir/احتیاط) ) است، چیزی ورای نظر مجتهد نیست و حکم و وظیفه فعلیِ هر مجتهد همان است که به‌طور قاطع از اِعمال اصول یافته است؛ پس تصور خطا دربارۀ مجتهد نمی‌رود. برخی از فقیهان از این مسئله به «مؤدای اصول در مرحله مجعول» تعبیر کرده‌اند و اختلاف مجتهدان در آن را اختلاف در موضوعات دانسته‌اند. عبارت مشهور «ظنی بودنِ طریق با قطعی بودن حکم منافات ندارد» نیز اشاره به همین مسئله دانسته شده است.

   **←← نظر آخوند خراسانی**در رویارویی با تقابل تصویب اشعری (قیام اماره موجب حدوث مصلحت در مؤدای آن می‌شود) و تصویب معتزلی (اذعان به وجود مصلحت واقعی و پیشین، ولی قیام اماره موجب حدوث مصلحت جدید می‌شود)، [آخوند خراسانی](http://wikifeqh.ir/آخوند_خراسانی) استعجالاً گریزی از پذیرش نوعی تصویب نمی‌بیند. بنابر این‌گونه از تصویب، هرچند مطلوب مجتهد حکم واقعی است که [جاهل](http://wikifeqh.ir/جاهل) و [عالم](http://wikifeqh.ir/عالم) در آن مشترک‌اند، ولی حاصل [اجتهاد](http://wikifeqh.ir/اجتهاد) مجتهد از امارات و طرق ظنی، حکم فعلی و حقیقی‌او محسوب می‌شود که البته به اختلاف آراء، مختلف می‌شود و چه بسا قول مشهور «ظنی بودن طریق با قطعی بودن حکم منافات ندارد» اشاره به آن داشته باشد. بنا بر این نظر، ناگزیر از قبول اعتبار [سببیت](http://wikifeqh.ir/سببیت) در امارات و اخبار هستیم؛ یعنی قیام [اماره](http://wikifeqh.ir/اماره) موجب حدوث مصلحت می‌شود، ولی این مصلحت در مرتبه متأخر از مصلحت حکم واقعی، و در ظرف شک به آن حکم است . بنا به تعبیر مختار [حائری یزدی](http://wikifeqh.ir/عبدالکریم_حائری_یزدی) ، این رأی مستلزم پذیرشِ در طول هم قرارگرفتن رتبه حکم ظاهری نسبت به واقعی است.

   **نظریه مصلحت تسهیل و سلوکی**دو نظریه دیگر که به واسطه سبب دانستنِ امارات و ادله ظنی در حدوث مصلحت در متعلق حکم، قرابت و مشابهتی با تصویب می‌یابند، نظریه [مصلحت تسهیل](http://wikifeqh.ir/مصلحت_تسهیل) و [مصلحت سلوکی](http://wikifeqh.ir/مصلحت_سلوکی) هستند. برخی از اصولیان برآن‌اند که اکتفا به راه قطعی موجب مشقت مکلف می‌شود و [حکمت الهی](http://wikifeqh.ir/حکمت_الهی) از باب برداشتن دشواری تحصیل علم و احتیاط کلی، انشاء اوامر مولوی را در قالب امارات و اصول ایجاب کرده است. از این امر به مصلحت تسهیل تعبیر می‌شود که فارغ از حکم نفس‌الامری، مدار و مناط [ثواب](http://wikifeqh.ir/ثواب) و [عقوبت](http://wikifeqh.ir/عقوبت) قرار می‌گیرد، ولی [تعارض](http://wikifeqh.ir/تعارض) با مصلحت واقعی ندارد.

   اما در جایی که مصلحت تسهیل امور بر عباد، مصلحتی نوعی است که ممکن است به خود شخصی که اماره نزد او اقامه شده است، بر نگردد، مصلحت سلوکی معطوف به شخص مکلف است.  
   طبق این نظر که به تصویب شیعی هم مشهور است، در نفس پی‌گیری و متابعت اماره، مصلحتی الزام‌آور است که بتواند جبران‌کنندۀ مصلحت فوت شدۀ واقع باشد. [شیخ انصاری](http://wikifeqh.ir/شیخ_انصاری) در این نظریه، عنصر طریقیت داشتن امارات را از نظریه [تخطئه](http://wikifeqh.ir/تخطئه) ، و سببیت امارات در خلق مصلحت را از نظریه [تصویب](http://wikifeqh.ir/تصویب) وام گرفته است.

   بدین ترتیب، این دو نظریه به نوعی به اِشکالِ تفویت مصلحت واقعی در نظریه تخطئه با ارائه مصلحتی جبران‌کننده، پاسخ داده‌اند.

   **اِجزاء (کفایت)**از عناوین مرتبط و مترتب بر تخطئه در متون اصولی امامی بحث [اِجزاء](http://wikifeqh.ir/اجزاء) (کفایت) است؛ نظری که اِجزاء را می‌پذیرد، یعنی در فرض کشف وقوع خطا در اجتهاد و حکم ظاهری، اعادۀ اعمال مبتنی بر اجتهادِ خطا را لازم نمی‌داند، به نوعی با تصویب ملازمت می‌یابد. چون مبنای آن این است که مصلحتِ حادث شده به تبع قیام اماره، مصلحت نفس‌الامری فوت شده را کفایت و جبران می‌کند و این جز نظریه تصویب معتزلی نیست هرچند برخی از بزرگان با تفکیک مراتب حکم، ملازمت قول به اِجزاء با تصویب را نپذیرفته‌اند.

   **نفی تصویب**عالمان امامی بر نفی تصویب ادعای [اجماع](http://wikifeqh.ir/اجماع) کرده‌اند. هرچند بروجردی اجماع علمای متقدم را مرتبط با متکلمان امامی، و درنتیجه، از لحاظ فقهی نامعتبر می‌داند. برخی علاوه بر دعویِ اجماع، اساساً تصویب را محال هم دانسته‌اند. اجتهاد نیز مستمسک دیگری است که برخی اصل مفهوم آن را متضمن فرض حکم واقعی دانسته‌اند که مجتهد درصدد نیل به آن است هرچند به‌طور متقابل، مصوبه نیز تصویب را لازمه مفهوم اجتهاد دانسته‌اند .  
     
   دلیلی دیگر را می‌توان از تحلیل سِرّ اختلاف مجتهدان در احکام جست‌وجو کرد؛ ادله شرعی بر دو قسم‌اند: نصوص و ادله عقلی. منشأ اختلاف در نصوص یا فهم و [تأویل](http://wikifeqh.ir/تأویل) نص است، یا تأمل در [سند](http://wikifeqh.ir/سند) آن (در [خبر واحد](http://wikifeqh.ir/خبر_واحد) ). دربارۀ سند مشخص است که حقیقت واحد است و خبر یا از ناقل صادر شده، یا نشده است. در باب تأویل و فهم هم ضرورتاً یک معنای حقیقی وجود دارد که همان مراد [شارع](http://wikifeqh.ir/شارع) است.

   اما در استفاده از دلیل و مبنای عقلی نیز تشخیص مصلحت، مناط و علت حقیقی حکم ــ کـه مقصود شـارع ‌از تشریع بوده ــ مورد نظر است که آن هم تعدد بردار نیست.

   از این‌رو، باید گفت: در هر واقعه، تنها یک‌حکم واقعی وجود دارد که مجتهد یا آن‌ را دریافته، و مصیب است، یا خطا کرده، و معذور است. هرچند در مسئله فهم، اگرچه پیش‌فرض عموم سنتگرایان، اذعان به معنای حقیقی واحد است، اما [معتزله](http://wikifeqh.ir/معتزله) دست‌کم تفاسیر متعدد را در چارچوب آراء و مبادی خود به رسمیت می‌شناختند.   
     
   [غزالی](http://wikifeqh.ir/محمد_غزالی) از عالمان بزرگ [اشعری](http://wikifeqh.ir/اشعری) نیز در پاسخ به خرده‌گیران از نظریه تصویب، استنباط عالمان را در عین [اختلاف](http://wikifeqh.ir/اختلاف) ، حق و درست می‌خواند. علاوه بر این موارد، نافیان تصویب به ادله نقلی، اعم از آیات و روایات ــ که برخی از آن‌ها [متواتر](http://wikifeqh.ir/متواتر) شمرده شده‌اندــ و ازجمله به احادیثی که احکام را میان عالم و جاهل مشترک دانسته‌اند، یا به اطلاق [ادله احکام](http://wikifeqh.ir/ادله_احکام) [استناد](http://wikifeqh.ir/استناد) کرده‌اند. در این خصوص، به احادیثی در جوامع حدیثیِ اهل سنت که خطا در اجتهاد را پذیرفته‌اند،نیز استناد شده است.ازجمله ادله عقلیِ اقامه شده بر نفی تصویب، محال بودن تعلیق حکم صادر شده از شارع به دانستن حکم است، از آن روی که مستلزم دور خواهد بود.

   البته ظن و علم مجتهد، موجب منجز شدن حکم برای مکلف می‌شود. اجتماع نقیضین و انجامیدن به [استحاله](http://wikifeqh.ir/استحاله) در برخی موارد، رسیدن به بی‌معنایی و عبث شدن مناظرات از دیگر شبهات و اشکالاتی است که مصوبه پاسخ‌هایی به آن‌ها داده‌اند.

   **دلائل تصویب**در مقابل، مصوبه مواردی از این قبیل را به عنوان دلیل تصویب آورده‌اند: تکلیف به محال بودنِ اصابت به واقع در نبودِ نص و دلیل قطعی، و درنتیجه، منتفی بودنِ خطا تلازم [گناه](http://wikifeqh.ir/گناه) و [خطا](http://wikifeqh.ir/خطا) و این‌که هر مخطی گناهکار است و چنان‌که مانند اهل تخطئه گناه مجتهد مخطی را نپذیریم، پس باید خطا هم منتفی باشد سیرۀ [صحابه](http://wikifeqh.ir/صحابه) مفاسد و توالی فاسدی که بر تخطئه مترتب می‌شود و محال نبودن نسبت دادن تصویب به [خداوند](http://wikifeqh.ir/خداوند). البته جدای از این موارد، غزالی در عرض و همدوش قطعیاتی همچون حجیت اجماع و خبر واحد، از تصویب یاد می‌کند.

   **مبانی کلامی تصویب و تخطئه**دو نظریه تصویب و تخطئه بر مبانی کلامی و پیش‌زمینه‌های تاریخی استوارند؛ به‌ویژه که تکوین و تدوینِ نظریه تصویب در بستر کلام صورت گرفته است. از این‌رو، دو نگرش و خوانش از تصویب به ترتیب به [اشاعره](http://wikifeqh.ir/اشاعره) و [معتزله](http://wikifeqh.ir/معتزله) انتساب یافته است. در تاریخ [امامیه](http://wikifeqh.ir/امامیه) نیز ابتدا متکلمان به موضع‌گیری در برابر تصویب اقدام کرده‌اند.

   **← مساله اعتباریات**یکی از مبانی مهم این بحث مسئله [اعتباریات](http://wikifeqh.ir/اعتباریات) است و نخستین مراحل توجه به نظریه اعتباریات در نظریه‌پردازی دربارۀ تصویب و تخطئه ملاحظه می‌شود. در حوزۀ عقاید ــ که ناظر به امور واقعی و نفس‌الامری مـانند وجـود خـداوند و نحـوۀ واقعیت صفـات او ست ــ بطلان تصـویب مـورد اتفـاق است. در این‌که امـور مـوهوم و ــ متخیل مـانند بخت و نحـوست ــ وابستـه بـه اعتبـار و تصـور فـاعـل شناس است، نیز تردیدی نیست. اشکال دقیقاً در امور شرعی و احکام فقهی و اجتهادی است که از امور وضعی و اعتباری هستند.غزالی بارها بر این‌که [حلال](http://wikifeqh.ir/حلال) و [حرام](http://wikifeqh.ir/حرام) وصف واقعی و ذاتی نیستند، تأکید دارد، همان‌گونه که در مبحث [قیاس](http://wikifeqh.ir/قیاس) علت را هم باید امری وضعی و اعتباری دانست از این‌رو، [وجوب](http://wikifeqh.ir/وجوب) و [حرمت](http://wikifeqh.ir/حرمت) هم تابع [ظن](http://wikifeqh.ir/ظن) و رأی مجتهد می‌شوند. البته در [قطعیات](http://wikifeqh.ir/قطعیات) شرعی، ناگزیر باید به حکم الاهی و واقعیت قائل بود که آن دیگر نمی‌تواند تابعی از رأی مجتهد باشد. اما مخالفان تصویب باید اعتباریات شرعی را ناظر به مصالح و مفاسد واقعی بدانند. همین پیوند با واقعیت نفس‌الامری است که مانعی برای تصویب و تابعیت احکام الاهی از آراء مجتهدان است. از همین‌رو ست که اراکی رأی آخوند خراسانی را مبنی بر این‌که مجعول در امارات و اصول، حجیت صرف است، تنها بر مبنای اعتباریِ محض بودنِ احکام اجتهادی صحیح می‌داند.

   **← مصالح و مفاسد در احکام**از مبانی دیگری که در بحث پیشین هم از آن یاد شد، این است که مصالح و مفاسد دایر مدار احکام الاهی‌اند. اشاعره ضمن اذعان به این مسئله، مصالح و مفاسد را در پیِ حکم الاهی، محقق می‌دانند، اما معتزله و [اصولیان](http://wikifeqh.ir/اصولیان) و متکلمان‌ شیعی حکم ‌الاهی را مسبوق به‌ مصالح و مفاسد نفس‌الامری می‌شمارند. روشن است که یکی از عوامل برگزیدن نظریه ‌تخطئه نزد امامیه همین مبنا ست. اما معتزله که قائل به تصویب‌اند، باید به گونه‌ای آن را با مبنای خود سازگار سازند. ابوالحسین بصری بر آن است که ممتنع نیست آنچه به تبع اجتهادِ متقدم، مصلحت است، در صورتی که اجتهاد متأخر به غیر آن انجامد، مفسده‌آور باشد و این‌که مصلحت و مفسدت معطوف به فرد یا قید و حالت خاص باشد. علاوه بر این، دارای مراتب دانستنِ حسن و ثواب، و فضیلت و مصلحت طریق دیگری است که برای ایجاد سازگاری اتخاذ شده است.

   **← تمهیدات زبانی و معناشناختی**در مسئله تصویب و تخطئه، همچنین پاره‌ای تدابیر و تمهیدات زبانی و معناشناختی درخصوص حکم، خطاب و دلیل مشاهده می‌شود. ازجمله غزالی حکم الاهی را خطابی از ناحیه [خداوند](http://wikifeqh.ir/خداوند) می‌داند که از [پیامبر](http://wikifeqh.ir/پیامبر) شنیده شود، یا دلیل قطعی بر آن دلالت کند. از این‌رو، عموم اجتهادات که مشمول چنین تعریفی نمی‌شوند و طبعاً در مواردی اعمال می‌گردند که نصی برای آن‌ها نیست، اساساً حکم نیستند. در این موارد حکم بالفعل پیشینی را نباید توقع داشت تا تخطئه معنا پیدا کند. عالمان امامی با تفکیک در مراتب حکم (اقتضا، انشاء و بعث فعلی یا [تشریع](http://wikifeqh.ir/تشریع) ، [تبلیغ](http://wikifeqh.ir/تبلیغ) و [فعلیت](http://wikifeqh.ir/فعلیت) ) به حل مسئله پرداخته‌اند؛ حکم در [مرحله انشاء](http://wikifeqh.ir/مرحله_انشاء) یا تشریعِ جمیع احکام الاهی ثبوت دارد، هرچند به واسطه عدم ابلاغ به فرد، تنجز و فعلیت نیافته باشد. البته آخوند خراسانی هم حکم در مرحله انشاء یا تشریع را حقیقتاً حکم نمی‌داند.

   **← معرفت‌ شناختی تصویب**بنا بر نظریه تصویب، [خطا](http://wikifeqh.ir/خطا) و [صواب](http://wikifeqh.ir/صواب) هم معنای دیگری می‌یابد. خطا در رأی اجتهادی، به انحرافی در نسبت با مطلوب اطلاق می‌شود، نه نسبت به آنچه فرضاً پیشاپیش واجب بوده است. به بیان روشن‌تر خطا عدم مطابقت با واقع نیست، بلکه به اقتضای امارات ظنیِ مناسب خود پیش نرفتن است. در مقابل صواب هم به معنای آن است که مجتهد آنچه را مکلف بدان بوده، انجام داده باشد. به این اعتبار، امارات هم مجازاً دلیل خوانده می‌شوند، چون در نسبت و اضافه به اشخاص و مطلوبها متفاوت می‌شوند.   
   به همین اعتبار می‌توان به یک مبنای معرفت‌شناختی تصویب هم آگاهی یافت. غزالی تأکید دارد که ظن حاصل از [امارات](http://wikifeqh.ir/امارات) به خودی خود حجت نیست، بلکه نسبی، و حاصل مداخله عوامل گوناگون غیرمعرفتی از سنخ تمایلات است. از این‌رو، تنها روشی که حقیقتاً و نه مجازاً دلیل فی نفسه است، [برهان](http://wikifeqh.ir/برهان) است؛ زیرا از تأثیر عوامل غیرمعرفتی مبرا ست. دلیل ظنی می‌تواند نسبت به فردی افادۀ ظن کند، ولی نسبت به دیگری یا خود او در شرایط دیگری، ظنی حاصل نیاورد و اساساً اختلاف اخلاق (تندخو یا مهربان بودن و...) و اختلاف احوال و اشتغالات (واعظ یا متکلم بودن و...) موجب اختلاف ظنون می‌شود. پس ناگزیر، ظنِ هر مجتهد برای خود او و مقلدانش معتبر است.

   **← مبنای مهم در شکل‌گیری تصویب**واقعیت تاریخی نزاع‌های [صحابه](http://wikifeqh.ir/صحابه) پس از وفات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌و‌آله و اصل عدم تخطئه آن‌ها در میان [اهل سنت](http://wikifeqh.ir/اهل_سنت) همچون مبنایی مهم در شکل‌گیری تصویب مؤثر بوده است. می‌توان شواهدی بر این مدعا ذکر کرد: اینکه آنان در آراء گوناگون و جنگ‌ها و بسیاری از قرائات، یکدیگر را اهل صواب می‌دانستند و این‌که مجتهدان اهل سنت بر بخشوده بودن خطای صحابه در مسائل [اجماع](http://wikifeqh.ir/اجماع) کرده‌اند، ازجمله دربارۀ [جنگ صفین](http://wikifeqh.ir/جنگ_صفین) کثیری از معتزله هر دو طایفه را مصیب می‌دانستند و دربارۀ آراء و اجتهادات و قرائات مختلف، یا همه را تصویب می‌کردند، یا دست‌کم بر ترک [تکفیر](http://wikifeqh.ir/تکفیر) و تخطئه اجماع داشتند. بر همین اساس است که برخی از فقیهان بزرگ اساساً منشأ نزاع در تصویب و تخطئه را اختلاف صحابه دانسته‌اند.

   **← اجتهاد به رای**عقیدۀ [عصمت](http://wikifeqh.ir/عصمت) و [علم غیب](http://wikifeqh.ir/علم_غیب) ، و گسترۀ محدود یا فراخ آن‌ها هم از دیگر مبانی تصویب و تخطئه است. عموم اهل سنت قائل به جواز اجتهاد به رأی در پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌آله هستند و جمهور اهل سنت از جمله مالک، [شافعی](http://wikifeqh.ir/شافعی) و [احمد بن حنبل](http://wikifeqh.ir/احمد_بن_حنبل) ، و عموم محدثان بر وقوع اجتهاد به رأی آن حضرت اذعان کرده‌اند. در مقابل، طیف وسیعی از مکاتب امامیه، هم به عصمت و هم علم لَدنّی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌آله و [امامان](http://wikifeqh.ir/امامان) علیه‌السلام باور داشته‌اند. در حیطه احکام نیز بنا بر نظریه علم ماوراء طبیعی امام، بر آن بودند که همه احکام ولو «ارشِ خَدش» در [لوح محفوظ](http://wikifeqh.ir/لوح_محفوظ) ، مضبوط است و همه آن‌ها در دسترس امام است بنابراین، اجتهاد نیز اگر با آن واقع مطابقت نداشته باشد، ناگزیر خطا ست. در کنار این موارد نظریات تخطئه و تصویب با [نسخ](http://wikifeqh.ir/نسخ) و [بداء](http://wikifeqh.ir/بداء) ، سمحه و سهله بودنِ [شریعت](http://wikifeqh.ir/شریعت) ، [قاعده لطف](http://wikifeqh.ir/قاعده_لطف) و قدم کلام الاهی ارتباط یافته است.

   **ثمره اختلاف دو نظریه تخطئه و تصویب**سرانجام، در برآوردِ این دو نظریه باید گفت که اختلاف آن‌ها بیش‌تر در سطح و ساحت نظر باقی می‌ماند و باتوجه به حکم به معذور بودن و گناهکار نشمردن مخطی در نظریه تخطئه، در عمل تفاوتی باقی نمی‌ماند. البته می‌توان از لحاظ نظری تفاوت این دو را در بسترسازی برای تغییر و تحول فقه، و پویا بودن آن، و نیز تفاوت آن دو را در زمینه‌سازی برای [تسامح](http://wikifeqh.ir/تسامح) و [تساهل](http://wikifeqh.ir/تساهل) بررسی کرد. [↑](#footnote-ref-1)